



محیط زیست و جغرافیای اقتصادی ایران

از اوایل سالهای 1350 که بازار نفت در جهان تکان شدیدی خورد و قیمت آن افزایش یافت سازمان برنامه و بودجه کشور (تاسیس سال 1327) که وظیفه، برنامه ریزی، نظارت و توسعه راهبردی نظام اقتصادی و اجتماعی کشور را بعهده داشت فرصت مناسبی بدست آورد تا با همکاری متخصصین اهداف این سازمان را با همکاری با دولت های وقت پی گیری کند.

سازمان برنامه که تحت نظر یک شورای عالی، یک هیئت نظارت و یک مدیرعامل اداره میشد با توجه به امکانات مالی برای به اجرا درآوردن الویت های اقتصادی در سطح کشور بر جسته ترین شخصیت های علمی، فنی، مدیریتی و متخصصین رشته های مختلف را بکار گرفت و موظف شد تا بر اساس اولویتهای استانی به تحقیقات میدانی در سطح کشور دست بزند و در تمامی مرکز استان ها شعبه سازمان را دایر کند تا در هر منطقه با تحقیق و بررسی همه جانبه برنامه مدونی برای پیشرفت و آبادانی متناسب با مناطق کشور تدارک و آنرا در اختیار دولت قرار دهد تا به مرحله اجرا در آورد.

در آن دوره جمعیت ایران کمتر از سی میلیون نفر بود و دست و بال دولت با توجه به درآمد نفت باز و میتوانست طرحهای پیش بینی شده را به مرحله اجرا درآورد بر اساس این طرح مناطقی برای صنایع سنگین نظیر اصفهان، تبریز، اراک، اهواز، تهران و ... در نظر گرفته شد و در مناطقی نظیر شمال ایران صنایع سبک، نساجی و صنایع کاغذ سازی در اولویت قرار گرفت و مناطقی مثل مازندران، آذربایجان غربی، خراسان، کرمان، قزوین، اردبیل .. برای صنایع کشاورزی ... و در جنوب عمدتاً تمرکز بر روی صنایع شیمیایی و پتروشیمی از جمله تصفیه نفت، صنایع کشتی سازی و ایجاد بنادر برای صادرات و واردات وارد فاز اجرایی شدند.

بر اساس طرح و تحقیق سازمان برنامه و بودجه برای دولتهای وقت این امکان بوجود آمد تا طرحهای کشت و صنعت را در مناطقی که امکان ایجاد و توسعه آنها وجود داشت نظیر طرح کشت و صنعت دشت قزوین، دشت خوزستان، دشت کرمان و دشت مغان طی برنامه های چهار ساله را به اجرا بگذارد.

در سالهای 1350 همزمان با توسعه صنایع نفتی و افزایش تولید نفت خام مسئله حفاظت از محیط زیست به بمیان آمد هرچه فعالیتها تاسیسات نفتی گسترش پیدا میکرد بهمان نسبت الودگی محیط

زیست و آب و هوای منطقه بیشتر میشود. تولیدات مازوت، دیزل و بنزین برای مصارف کارخانجات و صنایع تولید برق، سوخت موتورهای دیزلی کشتی ها، اتوبوس ها، کامیون ها و ماشینهای سواری که اکثراً آلوده به گوگرد و سرب بودند عملاً ایران را با معضل تخریب محیط زیست از نوع صنعتی آن آشنا کرد و تفاله های نفتی ناشی از استخراج نفت و پالایش آن به یک مسئله مهم تبدیل شد.

در طی تحقیقات علمی در مناطق جنوب کشور و فلات مرکزی ایران معلوم شد که میزان بارندگی طی سالیان دراز با تغییر و کاهش محسوسی روبرو بوده است. که علت آن ادامه چین خوردگی طبقات زمین در ارتفاعات رشته کوههای زاگرس که عظیم ترین و طولانی ترین رشته کوه های ایران است ارتفاع کوهها بیشتر شده در نتیجه ابرهای باران را کمتر به مناطق فلات ایران نفوذ میکنند و دلیل کم آبی و بارش باران همین مسئله است. در نتیجه تصمیم گرفته شد در این مناطق از لجن های نفتی برای تثبیت شنهای روان استفاده شود رشته کوههای زاگرس از استان آذربایجان غربی شروع شده و پس از عبور از استان های کردستان، همدان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، فارس و هرمزگان تا شمال تنگه هرمز ادامه می یابد. طول آن در حدود 1400 کیلومتر و عرض آن بین 100 تا 300 کیلومتر متغییر است. مساحت فلات ایران در این منطقه بالای 320000 کیلومترمربع را در بر میگیرد و 20 درصد مساحت کشور را زیر پوشش خود قرار داده است در این مناطق میزان بارش از میزان تبخیر کمتر است که به مفهوم افزایش شوری و آهکی شدن سطح خاک منطقه است.

خشکسالی ادامه دار این مناطق باعث تشدید فعالیت شن های روان و نابود کردن تدریجی فلات مرکزی شده که مسئولان سازمان بر نامه بودجه طرح تثبیت شن های روان را در دستور کار قرار دادند و حتی طرح انتقال آب از خلیج فارس بوسیله ایستگاه های پمپاژ دریاچه های آب در فلات مرکزی ایجاد کنند تا مناطق فلات مرکزی با رطوبی شدن محیط تا حدودی مانع پیشروی شن های روان شوند. (درسالهای گذشته مجدداً انتقال آب از طریق دریای خزر به فلات سمنان مورد بررسی قرار گرفت و گویا در مرحله اجرایی قرار دارد) طرح تثبیت شن های روان بوسیله مواد شیمیایی چسبنده از نوع لجن های باقی مانده از تسویه نفتی (تفاله نفتی) در فلات ایران به مرحله اجرا در آمد.

روش مکانیکی نظیر کند کردن حرکت شن های روان با ایجاد تراس های از چوب و دیگر مصالح سبک که بصورت پله ای و پایه ای (دیوارهای چوبی با شاخ های درختان که در شمال به آن رمش (Ramash)) میگویند در مسیر جریان شن و باد ایجاد میشود تا سرعت شنها در اثر وزش باد کم شود روش های شیمیایی و بیولوژیکی که در مراحل اولیه تحقیقاتی هستند برای تثبیت شن های روان و استفاده از گیاهان بومی برای جلوگیری از نمکی و آهکی شدن زمینهای مراکز خشک در آینده در نظر گرفته شده اند این دوروش مراحل آزمایش را در بسیاری از کشورها طی میکنند. (در صحرای گوبی چین که بزرگترین صحرای شنی دنیا ست بیش از 30 سال است که تثبیت شن های روان با کاشت گیاهان بومی با هر سه شیوه ادامه دارد و در نظر است تا تمامی آنرا بمرور به جنگل تبدیل کنند اجرای این طرح موفق ترین نوع خود در تاریخ بشر است).

مسئله تثبیت شن های روان برای کشورهای عربی خلیج فارس و حتی فراتر به موضوع روز تبدیل شد و بین ایران و کشورهای عربی از جمله عراق همکاری در این زمینه آغاز شد. ایران با دیگر کشورهای شیخ نشین عرب منطقه توافق نامه هایی به امضاء رساند که تا پیش از شروع جنگ ایران و عراق بقوت خود باقی بود.

جنگ ایران و عراق و تاثیر آن بر روی محیط زیست جنوب ایران و در کل کشور :

با آغاز جنگ ایران و عراق که بمدت هشت سال طول کشید عملا تمامی طرحهای محیط زیست در جنوب و سایر مناطق ایران به وضعیتی دچار شد که عملا شاهد آن هستیم این جنگ تخریب تمام عیار اکو سیستم جنوب ایران را در پی داشت و با جابجایی صدها هزار نفر در منطقه ارتباط طبیعی مردم با طبیعت و در پی آن استفاده از همه ابزار های جنگی و تغییر بسیار بزرگ در مناطق مرزی شتاب بیشتری به تخریب محیط زیست وارد کرد.

کوچ جمعیت که به مناطق دیگر کشور فرستاده شدند و یا از منطقه فرار کردند باعث تغییرات بزرگی در کشور شد که جمع و جور کردن آنها هنوز هم ممکن نشده است و پی آمدهای سنگینی بر جای گذاشته است که هزینه آن واقعا کمر شکن است شاید هم سالیان سال طول بکشد اگر هزینه جنگ را که ایران تحمل کرده است و نقش آنرا در تثبیت رابطه طبیعی مردم با طبیعت منطقه را در نظر بگیریم میشود گفت بزرگترین آسیب زیست محیطی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و بافت های منطقه ای که در طول تاریخ ایران و منطقه سابقه نداشته است به ایران وارد شده است.

جنگ غرب با عراق و اتخاذ سیاستهای نادرست ایران در این رابطه هزینه سنگین دیگری بر روی دوش مردم ایران و از همه مهمتر به محیط زیست وارد آورده است غرب با بمباران شیمیایی و اتمی با اورانیوم ضعیف شده نه تنها عراق همسایه و بافت اقتصادی و اجتماعی آنرا نابود کرده است بلکه با تلاشی این کشور که احتمالا ده ها سال دیگر ادامه خواهد داشت عراق قادر نخواهد بود این همه خسارت را در کوتاه مدت جبران کند طی سالهای آینده همانند عراق و دیگر کشورهای خلیج فارس ما با ریز گردهای آلوده به تشعشعات اتمی، شیمیایی که در جنگ عراق از آنها استفاده شده است و از طریق جریان باد، آب، مواد غذایی و دیگر کالاهای تجاری مدام در حال جابجایی است و سوای تخریب دائمی محیط زیست هزینه بسیار سنگینی برای مبارزه و از بین بردن آثار مخرب آن بر روی دوش ما سنگینی خواهد کرد.

برنامه ریزی و اجرای کردن محیط زیست در ایران هنوز در آغاز کار است:

بر کسی پوشیده نیست که ایران از نظر محیط زیست با فاجعه ای باور نکردنی سر در گریبان است بخش اعظم رودخانه های ایران حامل پس آبهای کارخانجات که آلوده به مواد سمی و مضر برای سلامتی محیط زیست طبیعت و مردم است و فاضل آبهای شهرها از طریق رودخانه ها به دریا و یا به رودخانه ها سرازیر میشوند که موجب تخریب دائمی محیط حول حوش خود هستند بخشی از این سموم به به آبهای سطح العرضی جریان می یابند و باعث آلوده کردن آنها میشود در بخش هایی از ایران مانند استان اصفهان از همین آبهای آلوده برای آبیاری کشاورزی استفاده میشود.

آنچه در بالا به آنها اشاره شد ما باچند مشکل تعیین کننده مواجه هستیم :

1- آسیب های محیط زیستی که ارتباط مستقیم با زندگی مردم و طبیعت زنده دارند بخشا صدمات و آسیب های طبیعی هستند مانند کم آبی فلات مرکزی ایران و صحراها و دشتهای کویر و نمکی آن با شن های روان که در اثر باد و متغییر بودن دمای منطقه مدام در حال تغییر و جابجایی هستند که وسعتی بالغ بر 450.000 کیلومتر مربع دارند. میزان بارندگی در این مناطق کمتر از 120 میلیمتر در سال است و در مواردی کمتر از 60 میلی متر در این مناطق میزان تبخیر بیش از بارش است در

نتیجه هر ساله بر نمکی و آهکی شدن سطح زمینهای منطقه افزوده میشود که پیامد آن غیر قابل استفاده بودن دشت ها و فلات ها برای تولید محصولات کشاورزی و جنگل کاری است.

2- مناطق مرزی ایران عمدتاً خالی از جمعیت است از مرز پاکستان تا پایان مرز افغانستان عمدتاً مناطق کوهستانی و غیر قابل سکونت و بارش باران در این مناطق هم به کمتر از 200 میلیمتر در سال میرسد آبهای رودخانه های این دو کشور اصولاً به ایران نمیرسند و استانهای سیستان و بلوچستان و خراسان شمالی باید انتظار برف های زمستانی را داشته باشند و به بارش محدود سالیانه اکتفا کنند و یا در انتظار انتقال آب از دیگر نقاط کشور و در نهایت به آبهای زیر زمینی چشم بدوزند .

3- در مناطق جنوب کشور از مرز عراق تا سیستان و بلوچستان میزان بارندگی سالیانه به کمتر از 250 میلیمتر در سال میرسد و بیشتر آبهای شیرین منطقه بر اثر بارش برف در فصل زمستان و جاری شدن آنها در فصل بهار به رودخانه ها تامین میشود .

3- استانهای غرب کشور از میزان بارندگی مطلوبی نسبت جنوب کشور بر خوردارند در مجموع بطور متوسط 350 میلیمتر باران در سال و استانهای مرکزی با بارش در حدود 400 میلیمتر و بیشتر میزان بارش مطلوب بنظر میرسد و میتواند نیازهای منطقه و محیط زیست را تامین کند ریزش باران در مناطق یاد شده کمتر باعث خسارت نظیر سیل و توفان میشوند .

4- منطقه شمال کشور که مناطق آستارا تا گرگان را در بر میگیرد میزان بارندگی از 600 میلیمتر در گرگان و 1400 میلیمتر بیشتر در گیلان است که بخش عمده آن از طریق رودخانه ها به دریا میریزد در گیلان میزان بارندگی آنقدر زیاد است که باعث شست و شوی املاح زمین شده و اگر پوشش جنگلی و گیاهی در منطقه شمال همانطور که طی سی سال گذشته مشاهده میشود کاهش پیدا کند باید انتظار داشت که طبیعت به تنهایی قادر به حفظ محیط زیستی خود نباشد و فاجعه زیست محیطی در منطقه و شمال کشور روی دهد .

5- استان هایی که عملاً به برف و باران استانها و شهرستانهای دیگر نیاز مبرم دارند کم نیستند استانهای اصفهان کرمان یزد بیرجند سمنان زاهدان سمنان بیرجند و بندر عباس با بارش سالیانه کمتر از 200 میلیمتر باران برای انتقال آب و تاسیسات مربوطه نظیر سد سازیها و کانالهای آبرسانی ، دکل های برق ، ایستگاه های ترانسفورماتورهای برق ، جاده های ارتباطی و نگه داری آنها لازم دارند که هزینه سنگینی بر دوش دیگر استانهای کشور قرار داده است .

6 - جمعیت کشور در سال 1357 در حدود 32 میلیون نفر و رشد زاد و ولد تقریباً 3% ولی امروز جمعیت کشور در حدود 78 میلیون نفر یعنی دوبرابر و نیم سال 57 با این تفاوت که محیط زیست در سالهای 45 تا 55 با پراکندگی جمعیت کمتر کشور و ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با پراکندگی آن سازگاری مناسبی را نشان میداد در این دوره علیرغم استفاده از جنگلها برای خانه سازی و انرژی گرمایی آسیب کمتری به محیط زیست وارد میشد ولی در شرایط فعلی و رشد جمعیت و تمرکز بیشتر در شهرهای بزرگ فضاهای سبز و باغاتی که در حول و حوش شهرها قرار داشتند تقریباً از بین رفته و در مناطق شمال کشور که تراکم جنگل در آن بیشتر است با کوچ جمعیت به این مناطق و افزایش زاد و ولد عملاً فضا برای مناطق سرسبز شمال تنگ و تا حدود زیادی خفه کننده شده است. در شمال کشور تراکم جمعیت به بیش از سه برابر سال 1357 رسیده است .

7. در ایران در مجموع 3,400,000 هکتار در حدود 7% کل کشور پوشش جنگلی دارد که بیش از 90% آن شامل مناطق شمالی از استان گلستان مازندران و گیلان میشود که ذخیره ملی مناطق سبز ایران است ارثیه ای که خزری ها ، گیلک ها و مازندرانی ها بیش از ده هزار سال است از آنها نگه داری کرده اند و ارتباط تنگاتنگی بین طبیعت و مردم بومی آن برقرار شده است تاجایی که کوچ جمعیت از این مناطق به مناطق دیگر کشور و دنیا بندرت صورت گرفته است . طی صد سال گذشته بعلت کمبود منابع طبیعی و ضرورت استفاده از آنها از طرف ساکنان ایران عملا بخش بزرگی از جنگلهای از بین رفته اند و این مناطق سالهاست که بدون پوشش و حفاظت دائمی قادر به احیاء خود نیستند .

8- در زمینه تامین انرژی بشریت به دست آوردهای بزرگی دست یافته است تولید برق از انرژی بادی، انرژی آبی از طریق سد سازی و استفاده از توربینهای آبی، انرژی خورشیدی و انرژی اتمی و بلاخره استفاده از گازهای طبیعی یا فسیلی که خوشبختانه همه امکانات موجود برای استفاده از دست آوردهای بشری در دست رس ما قرار دارد . در کشوری مثل ایران که دارای وسعت زیاد بالای 1.650.000 کیلو مترمربع است و بیش از دو سوم آن پوشش جنگلی ندارد ، تخریب فضاهاى سبز ، پوشش سبز مناطق دشت ، کوهستانی و درختان جنگلی و از بین بردن آنها برای ساخت و ساز جنایت بر علیه طبیعت و بشریت است.

9- جنگلهای شمال ده ها هزار سال است که خود را با محیط شمال کشور تطابق داده اند بنابراین احیاء آنها به آسانی ممکن نیست و سوای آنکه بزرگترین منبع جلوگیری از فرسایش خاک و زیست محیطی هستند جنگل ها بزرگترین تولید کننده اکسید کربن نیز هستند استفاده از سوخت های ذغال سنگ ، جنگل زدایی ، تغییر پوشش زمین ، آلودگی هوا و خسارت های گیاهی جزئی از این تغییرات هستند که تأثیر زیادی روی این چرخه و غلظت اکسید کربن دارند.

چگونه میشود محیط زیست را احیاء کرد:

- تردیدی نیست که اولین اقدام حفاظت از جنگلهای ایران بویژه مناطق شمال کشور است از آنجا که بخش بزرگی از مردم شمال در این مناطق طی هزاران سال زندگی کرده اند و وابستگی طبیعی به این مناطق دارند و این همزیستی چنان بهم پیچیده است که اگر هر کدام از این دو فاکتور یعنی جمعیت بومی و مناطق سرسبز آسیب پذیر باشد لطمه غیر قابل جبران به مناطق وارد خواهد شد بنابراین باید ترکیب جمعیتی بومیان شمال کمتر آسیب ببیند و از کوچ بی رویه مهاجران غیر بومی با وضع قوانین تا حد امکان جلوگیری شود .

- افزایش پوشش جنگلی در تمامی مناطق کشور که استعداد مناسب برای رشد و ادامه حیات دارند با توجه به وارثه های درختان بومی مخصوصا در مسیر رودخانه ها و در مناطقی که آب های سطح العرضی بالا هستند.

- ایجاد شرایط مناسب برای کسب در آمد که تامین کننده هزینه زندگی برای ساکنین این مناطق باشد حفظ و نگه داری این مناطق خود به هزاران شغل نیاز دارد .

- جلوگیری از خرید و فروش زمینهای چه جنگلی و چه دشت و محدود کردن آن با تصویب و اجرای قوانین با محدودیت مالکیت در تمامی مناطق شمالی کشور

- ساحل دریای خزر در ایران 660 کیلومتر است با احتساب ساحل قابل استفاده برای شنا ، ماهی گیری ، بنادر ، انبارهای کالا و دهانه های ورودی رودخانه ها به دریا هنوز 60% طول ساحل با توجه به مناطق طبیعی و آب و هوای مناسب و قابل استفاده در فصول سال میتواند پذیرای میلیون ها گردشگر باشد و برای بیش از دومیلیون نفر مردم منطقه کار ایجاد کند.

- با برنامه ریزی درست فاصله امواجی که به ساحل میرسد را پنجاه متر حساب کنیم و از جایی که میشود از آنجا ساخت و ساز را شروع کرد 50 تا 60 متر در نظر بگیریم 60% ساحل دریای خزر را با نظارت دولت و وزارت خانه های مربوطه میتوان بیک ساحل طلایی و سرسبز برای منبع در آمد برای بومیان منطقه تبدیل کرد تا مجبور به فروش زمینهای کشاورزی خود برای امرار معاش نشوند.

طبیعی است که واگذاری محدوده ساحلی به شرکتها و موسسات خصوصی باید تابع قوانین محدود کننده نظیر حق مالکیت تا حداکثر 50 سال و حق واگذاری در همین محدودیت زمانی را شامل شود اگر کشاورزان بهر دلیلی مایل بفروش زمینهای خود باشند دولت باید این زمینها را به نرخ روز خریداری و جزو اموال عمومی بحساب آورد.

- در شمال کشور بجای گسترش شهرها بهترین طرح ساخت و ساز بالابردن ساختمانها و نه گسترش شهرهاست ضمن آنکه از نظر هزینه ساخت ، نگهداری ، حفاظت ، زیبا سازی شهرها با صرفه تر و مطلوب تر و مناسب تر است سوای آن لازم هست که محدوده شهرها مشخص شود در این طرح حفاظت از حتی یک مترمربع فضای سبز در شمال کشور یک برد بزرگ برای حفظ محیط زیست و بقاء طبیعت و همزیستی انسان با طبیعت است .

- آلودگی دریای خزر که نتیجه بی رویه استفاده از منابع آب زیستی و فرستادن فاضل آبیهای کشورهای همجوار و استخراج نفت از این دریا آسیب جدی به این دریا وارد کرده است که حتما باید با همکاری دیگر کشورهای دریای خزر این مشکل را بر طرف کرد بیش از صدوسی رودخانه وارد این دریا میشود که اکثر آنها آلوده هستند در ایران بندر انزلی و مرداب آن شاهد خوبی بر این مدعاست که رسوبات آن در دهانه دریا به بیش از سه متر ارتفاع و در مواردی بیش از 4 متر رسیده است و میرود که مرداب انزلی را به نابودی بکشاند .

- تمامی مسیرهای رودخانه های بزرگ شمال بهترین مسیر برای احداث پله ای لوله های انتقال فاضلاب ها و مخازن ذخیره آن به محل تصویه فاضلاب ها در نزدیکی ساحل دریاست . این رودخانه ها با شیب ملایم و مناسبی که دارند با کمترین هزینه برای احداث این طرح و انتقال فاضلاب ها قابل اجرا هستند. ضمن آنکه میشود با برنامه ریزی دراز مدت دوطرف تمامی رودخانه ها را با کاشت درختان بومی به تفریحگاه عمومی تبدیل کرد.

- تمامی مواد زاید کارخانجات باید در محل آن تفکیک و سپس با توجه به استانداردهای محیط زیستی به مراکز مربوطه منتقل شوند.

نکاتی که در بالا به آنها اشاره شد بنظر میرسد لازم و ضروری هستند و گریزی از اجرایی کردن آنها وجود ندارد. بخش بزرگی از مشکل محیط زیست رامیشود از نظر فرهنگی حل کرد از آن جمله شهرداریها میتوانند تا مدت یک سال کیسه های پلاستیکی تفکیک مواد از جنس قابل بازیافت برای جمع آوری پلاستیک ، بطری ، شیشه و یا قوطی فلزی در اختیار مردم قرار دهند.

با فعال کردن رسانه های عمومی از جمله رادیو و تلویزیون و روزنامه ها حتی مساجد میشود مردم را در جریان امور محیط زیست قرار داد و چه بهتر اگر دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی تشویق بشوند بطور داوطلبانه ماهی یک بار برای تمیزی شهر محل زندگی خود وارد صحنه شوند مخصوصا در منطقه شمال کشور بعنوان الگو که تمامی زمینه های لازم برای این همکاری وجود دارد .

بحثی نیست که باید مشکل محیط زیست در ایران مخصوصا شمال و جنوب کشور را جدی گرفت خسارت آنقدر سنگین هست که اگر بیش از این به تعویق بیافتد بسختی میشود آنرا جبران کرد نباید سنگینی بار اشتباهات خودمان را که بر اثر بی تجربگی و بی برنامهگی و نداشتن دور اندیشی به اینجا کشانده شده است روی دوش نسل آینده منتقل کرد که نقشی در این بی مدیریتی و تخریب نداشته اند. تلاش کنیم شمال زیبا و همیشه سبز را با آن طبیعت رنگارنگ با دریای نیلگونش و محیط دلپذیر و مردمان خون گرم ، با فرهنگ و مدرنش همانطور که اجداد ما برای ما به ارث گذاشته اند به نسلهای آینده بدون شرمندگی بسپاریم .

بخشی از متن ارسالی استاد پور داود (شخصیت برجسته ایران شناس ایران و جهان) در سال 1345 یادداشتی برای دکتر صوفی شهردار وقت رشت ارسال کرد که در زیر مشاهده میکنید.

همه ما میدانیم که رشت پایگاه کنونی گیلان در خور آن سرزمین شاداب و خرم است آباد و زیبا نیست همه آرزو داریم که شهری شود دلگشاده تر و پاکیزه تر با آنکه طبیعت در خوشی و خرمی آن خاک کوتاه نیامده از هر جای دیگر میهن ما ار بخشایش ایزدی بر خوردار است

برلین (15.12.2015)

مهندس مهدی ضمیری

این مقاله در ره آورد گیل ماه نامه پژوهشی و علوم انسانی سال یازدهم دوره جدید بهمن و اسفند 1394 ویژه طبیعت و محیط زیست گیلان منتشر شده است